

# موسیقی اسلامی عمان

## «مولد و مالد»

لویس (لیماء) الفاروقی

ترجمه سعید نوری نشاط

● عمان در نقطه تقاطع غرب آسیا، شبه‌قاره هند و قاره آفریقا قرار گرفته است و به همین سبب نوعی آمیختگی غنی فرهنگی و تبادل افکار، آداب و سنت‌های زیباشناختی بین مناطق اطراف از یک‌سو و فرهنگ مرکزی اسلامی و عربی محلی از سوی دیگر ایجاد شده است. قدرت فرهنگ محلی همراه با این تأثیرات متعدد بیرونی میراثی هنری را در عمان به وجود آورده است که در عین سنتی بودن، بی‌نظیر است. هدف مقاله ما بررسی ویژگی‌های این دو نوع هنر صوتی مذهبی یعنی مولد و مالد است تا رابطه آن‌ها را با سنن اسلامی در محیطی که دارای سابقه تاریخی است دریابیم و ارزش واقعی آن را درک کنیم.

### الف. مولد

علی‌رغم ریشه مشترک مولد و مالد از فعل عربی ولادة (متولدشدن)، مولد و مالد به دو نوع هنر موسیقی مذهبی اسلامی اطلاق می‌شوند. مالد واژه‌ای است عربی که در بسیاری از زبان‌های اسلامی به معنای عمومی «تولد» و معنای خاص ولادت حضرت محمد (ص) به کار رفته است. علاوه بر این نامی است که به جشن‌های سالانه میلاد پیامبر (ص) گفته می‌شود یا برنامه‌های سرگرم‌کننده موسیقی و شعری که در این مناسبت اجرا می‌شوند و به این جشن‌ها مفهوم می‌بخشند. هم‌چنین هرگونه موسیقی همراه با شعرخوانی که شامل سروده‌هایی در مدح پیامبر (ص) و داستان ولادت ایشان و نخستین روزهای زندگی حضرت باشد، بدون در نظر داشتن این‌که این اشعار به چه مناسبت خوانده می‌شوند، مولد نامیده می‌شود. در این مفهوم آخر است که مولد در عمان به کار می‌رود و موضوع بررسی ما است.

مولد در عمان نوعی گروه‌خوانی یا موسیقی مرکب است که زمینه آهنگینی را برای خواندن اشعار فراهم می‌آورد. مولد در بسیاری از مناسبت‌های متفاوت مذهبی و ملی و اجتماعی و خانوادگی اجرا می‌گردد،

اما بیش‌تر اوقات در اجتماعات غروب پنج‌شنبه (پیش از مراسم نماز روز جمعه) شنیده می‌شود. این مراسم در بیش‌تر موارد پس از نماز عشا آغاز می‌شود.

اجرای مولد ممکن است در منزل یا بیرون، در محل عمومی یا شخصی، در باغ یا پارک رخ دهد. در این مراسم ۲۰ الی ۲۵ مرد روی فرش یا حصیرهایی که بر کف زمین پهن کرده‌اند، روبروی هم در دو ردیف برابر می‌نشینند. هیچ نوع آلت موسیقی، حرکات بدن یا رقص برای همراهی با این گروه‌خوانی به کار نمی‌رود. در یک ردیف کسانی هستند که به عنوان تک‌خوان عمل می‌کنند. این ردیف، ردیف اصلی (صف الرئسی<sup>۱</sup>) نامیده می‌شود. بسیاری از اعضای این گروه عصاهایی با سرهای خمیده در دست دارند که عموماً از جنس نی

خیزران است، عصایی مزین به طلا یا نقره یا عاج که داشتن آن برای مردان عمانی افتخار محسوب می‌شود. به همین تعداد نیز، در ردیف روبرو می‌نشینند که به ردیف پاسخ (صف الریدة) مشهوراند و به‌عنوان گروه همخوان (گروه کر) نسبت به تک‌خوان‌های متعدد ردیف اصلی عمل می‌کنند. نقش رهبر موسیقی یا تک‌خوان گروه را اعضای متفاوت ردیف اصلی به‌نوبت اجرا می‌کنند. بقیه شرکت‌کنندگان در این دو ردیف همخوان هستند. این افراد لباس سنتی عمان یعنی دشداسه - لباسی بلند و گشاد - را به تن دارند و بر سرشان یا عمامه عمانی به نام مِصْرُ یا کلاه‌هی سنتی به‌نام کمه می‌گذارند. هرچند که شرکت‌کنندگان ممکن است منظمأ تحت نام یک گروه با نام خاصی اجرای برنامه کنند، ولی هیچ‌گاه خود را اجراکننده حرفه‌ای به‌حساب نمی‌آورند، بلکه صرفأ به‌عنوان افرادی که در مناسبتی شرکت جسته‌اند تا سبب رضایت معنوی و ارضای حس زیباجویی خود و کسانی که برای تماشا و گوش دادن آن‌ها جمع می‌شوند، فراهم آورند.

پس از قرائت قرآن (که انفرادی و معمولأ به اختیار گروه اجرا می‌شود)، نخستین فصل (هر بخش مولد را فصل می‌نامند) مولد با تک‌خوانی به‌نام «روایت»<sup>۲</sup> که درباره سیره پیامبر (ص) است، آغاز می‌شود. ممکن است این فصل از حفظ صورت گیرد، اما بیش‌تر اوقات از یکی از مجموعه‌های چتین اشعاری که در جهان اسلام به «مولد برزنجی» مشهور است، خوانده شود. هر سطر یا بیت «روایت» نوعی نثر آهنگین (نشرالغمت) است که به شیوه بدیبه‌سرایی انفرادی و ناموزون (بدون قافیه) خوانده می‌شود و پس از هر سطر یا بیت روایت پاسخی<sup>۳</sup> کوتاه، مکرر و آهنگین از سوی گروه داده می‌شود. این پاسخ‌ها شامل جملات یا کلمات بسیار مشهور اسلامی<sup>۴</sup> است که به‌هنگام یکی یا بیش‌تر بخش‌های مهم تک‌خوانی منشد<sup>۵</sup> بیان می‌شود. تونیک یا بم‌ترین تن و نیز پنجمین یا چهارمین قسمت گام در

این پاسخ‌های گروهی مهم هستند زیرا مابین گروه‌خوانی راوی به‌طور سلسله‌به‌بداهه‌سرایی می‌پردازد (شکل ۱). این بخش با یک پاسخ معین با محتوای ادبی مشابه به پایان می‌رسد.

بین بخش‌های داستان ممکن است واحدهای شعری اضافه (قصیده) قرار گیرد که همان تک‌خوان یا تک‌خوان دیگری آن را می‌خواند. در این حالت گروه پاسخ‌های معینی را به این قصاید می‌دهد. در اجراهای دیگر، قصاید را پس از بخش «روایت» به‌عنوان واحد مجزایی اجرا می‌کنند. در مولد این اشعار به همان سبک «روایت» خوانده می‌شوند. بنابراین این قصاید همان تناوب را از لحاظ خواننده دارا هستند: ۱. بین تک‌خوان و گروه، ۲. بین بدیبه‌سرایی آزاد و سروده‌هایی که از حفظ بیان می‌شود، ۳. بین بافت آزاد متن‌های ریتمیک. در بخش آغازین اجرای مولد، بسته به این‌که حالت و افکار شرکت‌کنندگان چگونه باشد و یا براساس اهمیت مناسبت ممکن است تعداد زیادی از روایت‌ها و یا وقایع سیره خوانده شود. پس از آن‌که رهبر گروه تشخیص داد که شرکت‌کنندگان و تماشاگران به اندازه کافی الهام گرفته‌اند، «قیام» می‌کند.

این بخش شامل اشعار کوتاه و قافیه‌داری است که به‌مثابه «بندبرگردان» عمل می‌کنند و پایان مشخصی برای بخش «روایت» یا «قصیده» است. تمام اعضای گروه «قیام» را می‌خوانند. کلمات آن شامل سلام و صلوات‌هایی بر حضرت رسول (ص) است. (شکل ۲) بنا بر نظر آگاهان عمانی، این حقیقت که اجراکنندگان در طی این بخش از مراسم مولد از جای برمی‌خیزند، به لحاظ احترامی است که در نتیجه سخنان بیان‌شده در حین مراسم و وقایع پرافتخار آن (و حتی تأثیر «حضور» معنوی (نه جسمانی) پیامبر در بین شرکت‌کنندگان) نسبت به حضرت محمد (ص) دارند. «قیام» معمولأ نشانگر پایان یک «فصل» یا بخش عمده مولد است، اما گاه دیده شده که به‌عنوان اختتام یکی از بخش‌ها هم

اجرا شده است.

بخش اختیاری که گاه جایگزین «قیام» است، «پاسخ به برزنجی» (مردة البرزنجی) است. در این بخش به جای پاسخ گروهی کلیه اعضا پس از بیان سیره پیامبر (ص)، نوعی بندبرگردان معینی درست مانند مناجات بین تکخوان و گروه همخوان خوانده می‌شود و پس از آن قطعات آهنگین گروهی اجرا می‌گردد. (شکل ۳)

پس از اختتام این بخش‌ها، «فصل» با دعا به پایان می‌رسد. برخی از گروه‌ها این بخش را فقط پس از «فصل» پایانی مراسم اجرا می‌کنند. در برخی موارد هم این بخش را تکخوان و به شکل بدیهه‌سرایی و به سبک «نثرالنگمات» اجرا می‌کند و گروه با عبارت «آمین» پاسخ می‌دهد که به صورت نوای کُند و یکنواخت بیان می‌شود. ممکن است دعا را از کتابی که حاوی «روایت» است بخوانند و یا از حفظ بیان کنند.

اجرای مراسم مولد ممکن است شامل چندین فصل باشد که معمولاً ۳ فصل دارد. مولدهایی که فقط یک «فصل» دارند، اجرایی سطحی تلقی می‌شود و در آن‌ها اهتمام و احترام کافی به مناسبتی که اجرا می‌شود، داده نشده است.

## ب. مالد

مالد واژه‌ای عامیانه است که در فرهنگ استاندارد واژه‌های عربی یافت نمی‌شود. بنابراین معنای ادبی دقیقی در زبان<sup>۶</sup> ندارد. اما در عمان به معنای نوعی موسیقی مذهبی اسلامی بسیار عامه‌پسند است.

از بسیاری جهات مالد شبیه به مولد است. به نظر می‌آید که اساساً در کاربرد عناصر شعری، موسیقی و حرکات در مقایسه با مولد کم‌تر محافظه‌کار بوده و با مولد تفاوت داشته باشد. مانند مولد، مالد هم دارای یک نظم متوالی از بخش‌های آهنگین داخلی است. باز هم مانند مولد، شامل یک تناوب بین بخش‌های تکخوانی بدیهه‌سرایی ناموزون و خطوط موزون بندبرگردان

همخوانی است. مانند مولد، یک گروه ۲۰ الی ۲۵ نفره از افراد غیرحرفه‌ای این نوع موسیقی را برای لذت خود یا دوستان، اهل خانواده یا میهمانان اجرا می‌کنند. مالد هم در مناسبت‌های مذهبی و هم غیرمذهبی مهم و در بسیاری از محل‌های خصوصی و عمومی اجرا می‌شود. اجراکنندگان در دو ردیف روبروی هم بر فرش یا حصیر روی زمین می‌نشینند. یک ردیف مانند مولد ردیف اصلی (صف‌الرئسی) نامیده می‌شود زیرا شامل کسانی است که وظیفه‌شان ادای قسمت‌های تکخوانی است. ردیف دوم در مالد، صف‌الهوامه (ردیف کسانی که حرکات ویژه را اجرا می‌کنند) نامیده می‌شود. اعضای این ردیف مانند گروه پاسخ همخوانی و حرکتی عمل می‌کنند. در فضای بین این دو ردیف (تقریباً حدود ۱ متر) تعداد زیادی طار<sup>۷</sup> قرار می‌دهند. برخلاف مولد، اعضای ردیف اصلی (صف‌الرئسی) مالد علاوه بر تکخوانی‌ها، وظیفه نواختن این طارها را دارد که در برخی از بخش‌ها گروه را همراهی می‌کند.

مالد معمولاً، مانند مولد، با قرائت قرآن توسط قاری آغاز می‌شود. مانند مولد بخش بعدی فصل، «روایت» نامیده می‌شود. اما موضوع ادبی سطرهای موجود در این بخش آزادانه‌تر و نه از روی متن مکتوب بلکه از حفظ توسط تکخوان یا عقید خوانده می‌شود. محتوای منظوم این بخش را می‌توان «مدح» یا ستایش نامید، زیرا عمدتاً شامل تحسین و ستایش خداوند تعالی است تا پیامبر (ص) را عزیز بدارد. جملات تکخوانی بخش روایت به سبک موزون یا نثرالنگمات مولد است. این سطرها شامل بدیهه‌گویی‌های ادبی، عبارات مذهبی، اشعار و آیات قرآن کریم است. در پی هر سطر تکخوانی روایت، همخوانان پاسخ (رده) می‌دهند که مطابق با طول سطر تکخوانی قبلی، ممکن است کوتاه یا بلند باشد.

پس از تعداد نامشخصی از چنین سطرهای تکخوانی و پاسخ‌های همخوانی، عقید به این مجموعه

سطرها پایان می‌دهد و گروه را به بخش قصیده رهنمون می‌سازد. برخلاف مولد، قصیدهٔ مالد شعری اصلی یا از حفظ شده است که گروه به سبک مقفی یا نظم‌الانغمات می‌خواند. آهنگ این بخش ملودی مرکزی «فصل» می‌گردد. بخش قصیده به شکل تک‌صدایی و با رهبری عقید انجام می‌شود و فقط در سطرهاى خاصى عقید گروه را به همخوانی هدایت می‌کند (شکل ۴ را ببیند).

قسمت سوم فصل، «هوامه» نام دارد. به همین صورت که نظم قافیه جا می‌افتد، اعضای ردیف دوم یا «صف‌الهومه» تشویق می‌شوند تا حرکات هم‌آهنگ خود را آغاز و در عین حال جمله‌ای را مکرر بیان کنند (استیناتو). این حرکت آهنگین بین جملات ملودی و یا در ترکیب با آن تکرار می‌شوند و نوعی بیافت چندصدایی را ایجاد می‌کنند. اعضای این ردیف جملات مکرر را می‌خوانند و در زمان‌هایی نیز به ملودی اصلی می‌پیوندند، و در عین حال با رهبری عقید هم‌چنان تکان می‌خورند، با حرکات هم‌آهنگ به جلو خم می‌شوند و سر فرود می‌آورند. گاهی اعضای ردیف هوامه، یا به عبارتی گروه حرکت، دستان را به کف زمین می‌زنند تا بر اوج تکرار جملهٔ استیناتو تأکید ورزند. آن‌ها در وضعیتی نشسته یا بر زانو باقی می‌مانند ولی بازوان را به جلو یا عقب برده و بدنشان را هم‌زمان خم کرده و گاه آن‌قدر به جلو خم می‌شوند که سرشان با زمین تماس پیدا می‌کند (برای نمونه‌ای از الگوهای جملات مکرر به شکل ۵ مراجعه کنید). در برخی از مناطق عمان (مثلاً در مصنعه)، حرکات هوامه با ضربات طار همراه می‌شود. اعضای ردیف اصلی شروع به نواختن طاره‌ها می‌کنند که روی زمین بین دو ردیف قرار دارد، و این کار آغازگر هوامه خواهد بود. به‌هرحال، در اکثر تحقیقاتی که در این باره انجام شده، بخش هوامه شامل اجرای صدا و حرکت است.

بخش بعدی فصل مالد، توحید نام دارد. این واژه از ریشه عربی «وَحَدَّ» گرفته شده که معنای آن «یکی بودن»

است، و با اضافه‌شدن دو حرف اضافی «ت» به ابتدای ریشه و «ی» پس از حرف بی‌صدای «ح»، این کلمه به‌وجود آمده است. این تغییر در ریشه باعث شده تا معنای «شدت» و «تکرار» و «فعال‌بودن» به این اسم داده شود. توحید نامی است که مسلمانان جهان به «اعتقاد به وجود خدای یگانه» اطلاق می‌کنند. به‌عنوان یک واژه مذهبی هم‌چنین به بخش اول شهادتین اطلاق می‌شود که به وحدانیت خدای تعالی اشاره دارد. در نوع موسیقی مذهبی مالد، توحید نام بخش چندصدایی است، مشتمل بر جملات مکرری که بر وحدانیت خداوند تأکید دارند. گروه این جملات به‌عنوان زمینهٔ بدیهه‌سرایی تک‌خوانی اجرا می‌کنند که محتوای اشعار آن اشاره به همین مضمون دارد.

بخش نهایی مالد «قفله» یا اختتامیه نام دارد. این واژه عربی اغلب برای اشاره به قسمت نهایی یک متن ادبی یا موسیقی به‌کار می‌رود. هم‌چنین معمولاً به قافیهٔ آخرین سطر شعر نیز اطلاق می‌شود. بنابراین نام مناسبی برای این بازگشت تک‌صدایی به آهنگ اصلی «فصل» است که درست مانند بندبرگردان عمل می‌کند. در حالی که بخش‌های پیش از این شامل تغییر بین آهنگ اصلی و جملات مکرر و یا ترکیبی از این دو و یا بدیهه‌سرایی تک‌خوانی و جملات مکرر (استیناتو) است، در قفله، کل گروه با هم این آهنگ بندبرگردان را با هم‌نوازی می‌خوانند.

به‌ندرت پیش می‌آید که مالد فقط یک فصل داشته باشد. بلکه مانند مولد معمولاً سه فصل داشته و گاه تا نیمه‌های شب به درازا می‌کشد. ممکن است پس از فصل نهایی مراسم مالد، یک یا چند بخش اختیاری اجرا شود. یکی از آن‌ها «جلاله» نام دارد. این واژه عربی از ریشهٔ جَلَّ به معنای «با عظمت و باشوکت شد» است و اغلب در ارتباط با عظمت خداوند در مقام وجودی متعالی و خشوعی که در برابر این عظمت داریم، به‌کار می‌رود. در مالد، این واژه دلالت بر بخشی دارد که از

1. <sup>a.</sup> Şohār mawlid <sup>b.</sup> Şohār mälid <sup>c.</sup> Şaham mälid

Yä ħa-bīb Al-lāh Şal-lā Al-lāh-u 'a-layh

2. Qiyām tune Şuhār mawlid

şā-lām 'a-lay-ka yā na-bī şā-lām 'a-lay ka yā ħabīb Şā-la-wāt Al-lāh 'a-layka  
ra-sūl

3. Muraddah lil Barzanġi  
Group song Şohār mawlid

Al - lāh Al - lāh yā ma' - būd  
Al - lāh Al - lāh yā maw- jūd  
Al - lāh Al - lāh dal - laAl - lāh

4. a. Şohār

b. Şohār mälid

c. Şaham mälid

## Ostinato Examples

5. a. Şohār mālīd ostinato b. Şohār mālīd c. Şahām mālīd  
Al lāh hay Al-lāh

مذهبی (به همان صورتی که در فرهنگ عربی فهمیده می‌شود) موسیقی هستند؟ و سرانجام این‌که تا چه حد مولد و مالد عمان از اصول زیبایی‌شناختی عربی اسلامی برخوردار است؟ آیا می‌توان این دو نوع موسیقی را به‌عنوان نمونه‌ای از این اصول تلقی نمود یا این‌که تحت تأثیر فرهنگ‌های مختلف در کشور، هرچند که هنوز در محتوای اسلامی اجرا می‌شود، دیگر نمودار زیبایی‌شناسی اسلامی نیستند.

### الف. تحلیل ویژگی‌های اسلامی مولد و مالد

واژه «اسلامی» هم دارای معنای ضمنی «دینی» و هم معنای ضمنی «فرهنگی» است و هر دوی آن‌ها در اجرای این دو نوع موسیقی عمانی مشهود هستند. مطمئناً متن‌های این دو مراسم موسیقی شاهدهی محکم بر اسلامی و مذهبی بودن آن‌ها است. برخی از متون آن‌ها دربارهٔ پیامبر اسلام (ص) و ستایش و تحسین ایشان است و ولادت و زندگی حضرت را توصیف می‌کند. در بخش‌های دیگر عبارت‌ها یا کلمات دینی و یا سطرهایی از شهادت و یا از اشعار مذهبی گنجانده شده است. به‌علاوه «فصل»‌های مولد یا مالد اغلب با قرائت قرآن کریم آغاز می‌شوند و با دعا پایان می‌یابند که دو عنصر مهم و خطاناپذیر طبیعت اسلامی است. واژه‌شناسی این دو نوع موسیقی (مانند توحید، جلاله، مولد، قیام، دعا و غیره) به وضوح با اندیشه‌ها و رویه‌های مذهبی اسلامی ارتباط دارد. علاوه بر این اعضای این دو مراسم این کار خود را فعالیتی اسلامی می‌دانند. ضمناً شنوندگان و هم اجراکنندگان مسلمان‌اند و این کار را از حیث دینی مهم و لذت‌بخش تلقی می‌کنند.

روش عمیق‌تر دیگری هم برای نشان دادن طبیعت

زیبایی افزون و بافت مذهبی بیش‌تر برخوردار است و دو تغییر مهم در آن وجود دارد. یکی تغییر کلمات مطابق با نام این بخش و دوم مقدمه‌ای با همراهی طار. استفاده از بخش‌های طارزنی و هوامه و بخش‌های بعدی چنان‌که در مالد مصنعه صورت می‌گیرد، به‌مراتب کم‌تر از جلاله رایج است. در این بخش ابتدا همهٔ اعضای گروه می‌ایستند. اعضای ردیف هوامه شروع به خم شدن و سر فرود آوردن و انجام حرکات هم‌زمان می‌کنند و در این بین به خواندن مکرر استیناتو مشغول‌اند و اعضای ردیف دیگر آهنگ موزون جلاله را می‌خوانند. اعضای ردیف اصلی طارها را می‌نوازند و رهبری ملودی این بخش را به‌عهده دارند.

برخی از اجراهای مالد مشتمل بر بخش دیگری به‌نام «تنزیله» یا «تشویشه» هستند. این بخش مجموعه‌ای از اشعار است که عقید آن را آغاز و رهبری می‌کند و گروه آن را به سبک موزون یا نظم‌النگمات می‌خوانند. در واقع این بخش فرصتی را فراهم می‌آورد تا اعضای گروه به خود «رخصت رفتن» را بدهند، که این بخش با اجرای سروده‌های دوست‌داشتنی و پرآوازه انجام می‌شود. مالد معمولاً مانند مولد با دعا به‌پایان می‌رسد.

### ۲. تحلیل

این دو نوع موسیقی توصیف‌شده، به‌عنوان شکل‌های «هنر موسیقی مذهبی اسلامی» آرایه شد. در این قسمت چهار نوع عنصر فوق بررسی می‌شوند: ابتدا تلاش می‌کنیم روشن کنیم به چه مفهومی این نوع موسیقی‌ها اسلامی هستند؟ دوم این‌که به چه مفهومی مذهبی هستند؟ سوم این‌که به چه مفهومی این شکل‌های

اسلامی بودن این دو مراسم وجود دارد. در یادداشت دیگری<sup>۸</sup> در این مورد نشان داده شده است که از ویژگی‌های خاص موسیقی مذهبی در فرهنگ اسلامی این است که در مناسبت‌های مذهبی و غیر مذهبی بسیاری اجرا می‌شود. مانند قرائت قرآن که تقریباً در هر اجتماع عمومی یا خصوصی مسلمانان شنیده می‌شود، مولد و مالد عمان هم امکان تمتع و تجدید روح را در مراسم اجتماعی، آموزشی یا سیاسی و یا مناسبت‌های ویژه مذهبی فراهم می‌آورند. این‌که از عناصر غیر مذهبی در این مناسبت‌ها استفاده نمی‌شود، ولی عناصر مذهبی در مراسم غیر مذهبی وارد می‌شود، در واقع ویژگی اسلامی بودن آن است. در خصوص مولد و مالد هم، وجود عناصر مذهبی در اجرای موسیقی آن در مناسبت‌های مختلف دینی خود نشانه‌ای از اسلامی بودن است.

اگر با «اسلامی بودن» به عنوان یک مفهوم فرهنگی برخورد شود، آنگاه دیگر اسلامی بودن این دو نوع موسیقی مشخص نیست. تحلیل محتوا و شکل پس از این خواهد آمد. (به بخش د مراجعه کنید) و خواهیم دید که این دو نوع موسیقی با معیارهای زیباشناختی فرهنگ اسلامی مطابقت دارند و نمونه‌ای از رفتارهای اجتماعی خاص فرهنگ اسلامی است. من باب مثال، ردّ منافع اقتصادی و حرفه‌گرایی در اجرای این موسیقی، و وجود و حتی برتری عوامل موسیقی در کنار عناصر ادبی، تأکید بر مشارکت جمعی و نه اجرای یک‌نفره، استفاده محدود از ابزار موسیقی، همه این ویژگی‌ها نشانگر صفت اسلامی این اجرای موسیقی شعر است.

### ب. تحلیل ویژگی‌های مذهبی مولد و مالد

جنبه دیگر این دو نوع موسیقی مذهبی آن است. مطمئناً این دو نوع موسیقی به این مفهوم که بخشی از مراسم عبادت یا نماز نیستند، مذهبی نیستند. زیرا در پنج نماز روزانه و نمازهای دیگر در مناسبت‌های

خاص<sup>۹</sup>، فقط لحن صوت قرآنی قابل قبول است. و هرگز مولد یا مالد در این محتوا به کار نمی‌رود و نمی‌تواند حتی قبل یا بعد از نماز اجرا شود. حتی اگر از لحاظ زمانی چنین موقعیتی پیش آید.

اما علی‌رغم این‌که در عبادت رسمی به کار نمی‌روند، ویژگی‌های مذهبی مولد و مالد بارز هستند. زیرا ابتدا این‌که در انواع مراسم‌ها، در اعیاد یا سایر جشن‌های مذهبی، و یا اجتماعات غروب پنجشنبه – و نیز حتی مراسم ملی یا خانوادگی مهم که نوعاً مذهبی نیست – اجرا می‌شوند. دوم این‌که، چنان‌که در بالا هم گفته شد، شامل نمونه‌هایی از محتوای ادبی مذهبی هستند: سرودهای مذهبی، دعا، ستایش پیامبر (ص) و بخش‌هایی از سیره یا زندگی پیامبر (ص).

### ج. تحلیل ویژگی‌های موسیقی مولد و مالد

مسئله شرعی بودن و استحسان «موسیقی» و آنچه که مربوط به آن می‌شود، در طی اعصار در تمدن اسلامی محور بحث و گفتگو بوده است. در حالی که این واژه‌ها و معادل‌های آن صرف‌نظر از ویژگی‌های ذاتی آن‌ها و یا استفاده‌اش در فرهنگی خاص، در زبان‌های دیگر اروپایی برای کلیه اشکال هنر صوتی به کار رفته است، در حالی که زبان‌های عربی و اسلامی در این واژه‌ها به شکل قابل ملاحظه‌ای محدودتر هستند. موسیقی یا واژه عربی آن موسیقا هرگز دلالت ضمنی، یا صریح بر کلیه انواع هنر صوتی نداشته است. در واقع آن نوع هنر صوتی که به عنوان موسیقی لحاظ شده است فقط انواع مشخصی از آن ماهیت غیر مذهبی داشته‌اند. و از میان آن‌ها، موسیقی فقط شامل آن دسته از اجراهایی بوده است که شرکت مسلمانان در آن نامناسب تشخیص داده شده است. بنابراین «موسیقی» می‌تواند نام تحقیرکننده‌ای باشد و شایسته نیست به نوعی هنر صوتی مذهبی قابل احترام در فرهنگ اسلامی اطلاق شود. لذا باید توضیح دهم که چرا در عنوان این مقاله از

این واژه استفاده کرده‌ام.

کشاورزی، ماهیگیران، مغازه‌داران یا کارگران کارخانه در مولد یا مالد شرکت می‌کنند تا مراتب ارضای مذهبی، روانی، اجتماعی و زیباشناختی خود و هموطنانشان را فراهم آورند. آنان با شرکت در گروه نوعی فعالیت اخلاقی انجام می‌دهند که از لحاظ محتوا برای زندگی خود و دیگران ارزش معنوی دارد. از طریق این اجتماعات، اجراکنندگان و شنوندگان در تجربه‌ای حضور می‌یابند که دانش ادبیات عربی آن‌ها را افزایش داده و درباره زندگی پیامبر (ص) و شعر مذهبی اطلاعاتی به آن‌ها می‌دهد. مراسم مولد و مالد از طریق تعامل پذیرفته اسلامی و پرمفهوم بین دوستان نیاز روانی آن‌ها را مرتفع می‌کند. هم‌چنین این مراسم دارای سودی اجتماعی است زیرا بر تعداد مناسبت‌های شخصی و عمومی جامعه می‌افزاید. و سرانجام این‌که این مراسم شاعران و خوانندگان محلی را تشویق و تحریک می‌کند و برای آنان فرصت‌هایی را به وجود می‌آورد تا مهارت‌هایشان را تمرین کنند و حس زیباشناختی جامعه را ارضا نمایند.

چون این مراسم به عنوان «موسیقی» تلقی نمی‌شود و از آن‌جا که اجراکنندگان خود را موسیقی‌دان نمی‌دانند، در این صورت اگر مولد و مالد را دو گونه موسیقی به حساب آوریم، بی‌شک مشکلاتی پدید خواهد آمد. ضمناً پیدا کردن عبارت مناسب‌تری هم که ویژگی‌های این دو گونه را دربر داشته باشد، مشکل است. زیرا هیچ معادل عربی برای واژه انگلیسی «Music» وجود ندارد و موسیقی در این مدلول همه هنرهای صوتی را دربر دارد. در نوشته قبلی‌ام پیشنهاد کرده بودم که کسانی که با هنرهای صوتی فرهنگ اسلامی سروکار دارند، عبارت تازه‌ای را بیابند، که به نظر من «هندسه‌الصوت» واژه مناسبی است که شامل تمام انواع نمودهای موسیقی در این فرهنگ<sup>۱۲</sup> است. هندسه (به معنای مهندسی هنر) دلالت بر خلاقیت هنری دارد و واژه صوت (صدا) دربرگیرنده ویژگی‌های آهنگین و تداوم زمانی اصوات

عناصر خلاقه موسیقی - یعنی الگوهای آهنگ‌های متنوع و زمان تداوم آن به شکل شفاهی یا با ابزار - جنبه‌های مهم این موسیقی هستند. با وجود این هم شنوندگان و هم اجراکنندگان به نظر می‌آید که بیش‌تر از اجرای موسیقی مطابق بر سطور منظوم یا منثور بر محتوای ادبی آن تأکید می‌ورزند. مشهور است که برای مسلمانان محتوای منظوم یک اجرای صوتی مهم‌تر از محتوای موسیقی آن است. حتی اغلب نمی‌توانند محتوای صوتی شعر یا نثر موزون را در خلال یک رخداده مهم «موسیقی» مشخص کنند.<sup>۱۰</sup> به‌رحال برای آنان این کلمات هستند که مهم‌ترین معرف‌های ساختاراند. وقتی آگاهان عمانی قصد دارند از ویژگی‌های مراسمی سخن بگویند بیش‌تر از توانایی‌های شعری آن می‌گویند تا تخصص موسیقی اجراکنندگان و با استعداد صوتی تک‌خوان<sup>۱۱</sup>. در طی سفر تحقیقاتی‌ام به عمان هیچ اظهارنظری درباره عوامل موسیقی نظیر خلاقیت ملودی، کاربرد مقام‌ها یا پیچیدگی الحان نشنیدم.

مطمئناً اجراکننده یا شنونده عمانی مولد یا مالد را به عنوان «موسیقی» طبقه‌بندی نمی‌کند. برعکس آن را به عنوان یک فعالیت عبادی یا مذهبی یا منافع معنوی و یک فعالیت جمعی بیان شعر و نثرخوانی عربی می‌داند که سبب ارضای حس زیباشناختی و مذهبی می‌شود. اجراکنندگان صرف‌نظر از تخصص و پیشه‌شان هرگز خود را موسیقی‌دان نمی‌دانند. آن‌ها هرگز انتظار ندارند که برای اجرای مراسم به آن‌ها مزد داده شود. البته از آن‌ها با قهوه، چای، شیرینی یا غذا پذیرایی می‌شود و فقط میزبان هدیه‌ای نقدی به رهبر یا عقید آن‌ها برای پرداخت هزینه‌ها و تسهیل گردآوردن اجراکنندگان می‌دهد. و بنابراین می‌بینیم از تمام جنبه‌های منفی نقش موسیقی‌دان حرفه‌ای در فرهنگ اسلامی پرهیز می‌شود. به‌جای اجرا برای منفعت مالی، این کارگران



است. این عبارت باعث می‌شود بتوانیم بین کلیت بیان صوتی در فرهنگ اسلامی و عرصه محدودتر موسیقی تمایز قایل شویم. ضمناً به محققان و نویسندگان کمک می‌کند تا آن‌دسته از «هندسه‌الصوت»‌هایی را که مسلمانان موسیقی نمی‌دانند، در زمره موسیقی به‌شمار نیاورند. بنابراین می‌توانیم این تحریف و بی‌دقتی در نامگذاری را از بین ببریم.

حال اگر عبارت «هندسه‌الصوت» کلمه‌ای شناخته‌شده و مقبول بود، حتماً جایگزین کلمه موسیقی در عنوان این مقاله می‌شد. به‌رحال چنین نیست و اگر به‌کار می‌بردم، حتماً برای بسیاری از خوانندگان نامفهوم بود. بنابراین واژه «موسیقی» را به‌کار بردم اما با محدودیت‌های زیر: ما درک می‌کنیم که در فرهنگ اسلامی نوعی تنگنا نسبت به برخی از نمودهای صوتی وجود دارد، حتی تا آن‌جا که برخی از انواع آن پذیرفته نیست. چون چنین صداهاهی تحت نام «موسیقی» قرار می‌گیرند، در این صورت این واژه برای مشخص نمودن مولد و مالد شایسته نیست. واژه موسیقی فقط در مفهوم گسترده آن در فرهنگ غربی برای این دو مورد به‌کار رفته است.

#### د. تحلیل ویژگی‌های زیبایی‌شناختی یا هنری مولد و مالد

عنوان این مقاله هم‌چنین مولد و مالد را به‌عنوان دو نمونه از هنر اسلامی معرفی می‌کند. در قسمت نهایی تحلیل این نمونه‌های «هندسه‌الصوت»، به بررسی درستی این ادعا می‌پردازیم.

هنر را می‌توان تجلی یا تفسیر یک اندیشه تعریف کرد، اندیشه‌ای که برای آفرینندگان و تحسین‌کنندگان آن اهمیت دارد. هم‌چنین این تجلی نشانگر مهارت و استعداد در درک و / یا خلاقیت است، تجلی‌ای که توسط ابزار و به اشکال قابل درک برای احساس انسانی اجرا می‌شود. هر فرهنگی هویت زیبایی‌شناختی یا هنری

خود را به نمایش می‌گذارد، هویتی متکی بر هسته منحصربه‌فرد اندیشه‌هایی که در پی بیان یا تأکید یا تبلیغ آن‌ها است.

فرهنگ اسلامی علی‌رغم تنوع وسیع منطقه‌ای و تحولات در طول قرون، در نشان دادن وحدت در ایجاد تجلیات زیبایی‌شناختی به شکل منحصربه‌فردی موفق بوده است. این وحدت از مطابقت محصولات هنری با ویژگی‌های اساسی و مشخص هنری در محتوا و شکل آشکار می‌شود. هنرمندان هر سرزمین، آن‌جا که اسلام وارد شده و عنصر اصلی فرهنگ شده است، روی این اصول زیباشناختی کار کرده‌اند و این اصول به تدریج بهبود یافته‌اند، تکرار شده‌اند و تنوع یافته‌اند. در میان عناصر موجود، دو ویژگی برجسته و اولیه و حاضر در همه‌جا در هنرهای اسلامی وجود دارد: ۱- تجرد، ۲- شکل قیاسی. این دو اصل پیوسته در مراسم مولد و مالد در عمان آشکار می‌شوند، و به این ترتیب نشان می‌دهند که می‌توان آن‌ها را به‌عنوان نمونه‌هایی از خلاقیت هنری مسلمانان به حساب آورد.

تجرد در محصول هنری شامل تلاشی برای عدم تقلید یا تصویر آن چیزی است که حواس ما در طبیعت می‌یابد. بنابراین تجرد اجتناب از تصویر واقع‌گرایانه انسان‌ها، حیوانات و اشیای این دنیا است. این ویژگی پیوسته در هنرهای تجسمی فرهنگ اسلامی به چشم می‌خورد. وقتی که اشکالی از طبیعت استفاده می‌شود، تجرد اسلامی باعث می‌شود تا هنرمندان ویژگی‌های ناتووالیستی آن‌ها را بکاهند یا حذف کنند. اصل تجرد هم‌چنین باعث شده تا هنرهای ادبی اسلامی در قصیده، غزل، مدح و مقامات پیش رود و کم‌تر در حماسه، رمان و یا هنرهای نمایشی که در پی نشان دادن زندگی با واقعیات مشهود آن هستند، توسعه یابد. در قرآن مجید، «این نخستین و بزرگ‌ترین اثر هنری در اسلام»<sup>۱۳</sup>، شواهدی بر این تمایل به تجرد ادبی وجود دارد. در این وحی عناصر داستانی بدون رعایت تسلسل تاریخی

آمده است. برای مثال، اشارات مربوط به زندگی پیامبران به شکل نظام‌داری (سیستماتیک) ارایه نشده‌اند. بلکه برعکس، وقایع مربوط به هر یک از پیامبران در همه‌جای قرآن پخش شده است، و گاه در ده یا بیست جا به آن اشاره شده است، گویی که شنوندگان قبلاً با این وقایع آشنا هستند. منظور از این اشارات، نه بیان یک داستان، که تأکید بر یک درس اخلاقی و عبرت‌آموزی است.

تجرد در هندسه‌الصوت فرهنگ اسلامی نیز کم به چشم نمی‌خورد، و با ابزاری ویژه و مطابق با آن هنر محقق می‌شود. در هنرهای صوتی فرهنگ اسلامی، به‌ندرت پیش می‌آید که به شیوه‌ای برنامه‌ریزی شده عناصر آهنگ و ریتم از یک‌سو، و محتوای کلامی موسیقی از سوی دیگر با هم پیوند داشته باشند. در نمونه برنامه‌ریزی شده، اشیاء، افراد، مکان‌ها، یا وقایع بیان یا توصیف شده در اشعار، برای متجلی شدن، یا در «صدا» نمود می‌یابند یا در «برنامه‌ای» هم‌آهنگ با آن موسیقی. به‌خاطر وجود ویژگی‌های زیباشناختی اسلامی در مراسم مولد و مالد، این برخورد «کلیشه‌ای» در آن‌ها اساساً وجود ندارد. موسیقی از نشر تک‌خوانی به اشعار همخوانی، از اجرای بدون همراهی ضرب به همراهی آن، از تکرار بندبرگردان به سبک چندصدایی تغییر می‌یابد. هر تغییری لزوماً با تغییر بندبرگردان مشخص می‌شود، اما عناصر موسیقی بر اساس نیازهای ساختاری غنایی عوض می‌شوند و نه بر اساس محتوای روایتی یا برنامه‌ای آن‌ها. در هر بخش موسیقی - ادبی مولد و مالد شاهد تغییر عناصر آهنگ و زمان آن نیستیم که دلالت بر نمود آهنگین اشیاء، افراد، مکان‌ها یا وقایع داشته باشد.

عنصر دیگر بیان موسیقی که بر تجرد تأکید دارد، اجتناب از انتقال اثر حالت خاصی و یا تغییر حالات بیان یا اظهار شده در ترانه از طریق صداها است. این‌گونه از «ارایه» یا واقعیت موسیقی که معمولاً به تصویر -

آهنگی (Tone - Painting) مشهور است، به‌وسیله مسلمانان به‌خاطر این‌که آثار برنامه‌ای به‌دنبال دارد، پرهیز شده است. مولد و مالد عمان دو نمونه مهم از این چنین تجرد در هنرهای صوتی هستند. تغییراتی در کلام، آلات و اجراکنندگان وجود دارد. بخش‌های موسیقی متناسب با تغییر اشعار تغییر می‌کنند. در طی آن، گاه موسیقی به اوج خود از لحاظ زیبایی و احساسی و گاه به آرامش می‌رسد. اما هیچ‌یک از این‌ها با حالات خاص کلمات یا نوع خاصی از آهنگ ابراز یا اشاره نمی‌شود. البته موسیقی گاه تشدید می‌شود<sup>۱۴</sup>، اما این شدت در خدمت تعمیق آگاهی از صنایع شعری یا عناصر ساختاری است تا این‌که بخواهد عواطف انسانی یک فرد یا عموم را باز نماید.

تک‌خوانی‌هایی که روایت یا قصیده را می‌خوانند، و اعضای گروه همخوانی یا هوامه بلندی صدا، کیفیت آهنگ صدا، میزان زیر و بمی صدای خود و یا شدت و ضعف صدا را تغییر نمی‌دهند تا با حالات یا احساسات تغییر یافته محتوای کلامی مولد و مالد هم‌آهنگی داشته باشد. اشعار مدح و حکایت‌هایی از سیره پیامبر (ص) خود نسبتاً از این تغییرات به‌دورند. حتی وقتی عبارتی بیان می‌شود که حاکی از غم یا شادی است، با تغییر صدا یا سبک آهنگ یا محتوای ملودی هرگز تأکید نمی‌شود. لایت‌موتیف‌ها (Leitmotifs) در این هنر صوتی وجود ندارد و هیچ نمود آهنگینی از محتوای عاطفی متن متبلور نمی‌شود.

ویژگی دوم که در تمام هنرهای اسلامی در هر زمان و هر جایی که به‌وجود آمده‌اند مشهود است، ساختار بخش‌بخش شده یا قیاسی آن‌ها است. یک اثر هنر اسلامی شامل تعدادی تقسیمات داخلی است، که هر یک به‌تنهایی حس زیبایی‌جویی را ارضا می‌کند. این واحدها (مقیاس‌ها) که در مجموع اثر هنری را به‌وجود می‌آورند، به هزار روش با واحدهای مشابه و متنوع در هم ترکیب می‌شوند تا تأثیری از تداوم لایتناهی ایجاد



قصیده دیگر، روایت دیگر، قرائت دیگری از قرآن، بخش قیام، یا دعا تا یک «فصل»، اجرا کامل شود. در مالد، ترکیبات قیاسی دیگر «فصل» شامل بخش‌های توحید، قفله و جلاله است. این اجرا سطح به مراتب پیچیده‌تری از ترکیبات را داراست، زیرا «فصل»های دیگری به سازمان آن اضافه شده است. بنابراین می‌توان مولد و مالد را به‌مثابه دو نمونه عالی برای اوج خلاقیت زیباشناختی اسلامی به‌شمار آورد که دارای ساختار قیاسی هستند.

در باره تأثیر فرهنگ‌های کشورهای اقیانوس هند بر هنرهای عمانی بسیار گفته‌اند. این حقیقتی است که همگان قبول دارند. اما با مطالعه این دو نوع هندسه‌الصوت مذهبی عمان مشخص شد که ریشه‌های یک هویت زیباشناختی اسلامی نیز بی‌تردید در عمان وجود دارد. هم‌چنین مشخص شد، مانند دیگر مناطق جهان اسلام، در این‌گونه‌های واجد پیام و محتوای اسلامی است که می‌توان ویژگی‌های زیبایی‌شناختی اسلامی را با شدت و وسعت یافت، چنان‌که در

کنند. ترکیبات این واحدها نه تنها بسیط (ساده) است (ترکیب یک‌واحدی) بلکه اغلب اوقات می‌تواند به‌صورت «ترکیبات پی‌درپی» باشد که هم ترکیب ساده و هم ترکیب مرکب مجموعه‌هایی از این واحدها (مقیاس‌ها) را دربر می‌گیرد.

چنین سازماندهی ساختاری اسلامی مطمئناً در مولد و مالد عمان بارز هستند. قاری یا عقید سطر واحد خود را به‌عنوان یک مجموعه مجزا و آهنگین ارایه می‌کند (یک واحد مستقل موسیقی) که پایان‌بخش این واحد مجزای موسیقی-شعر، یک مکث یا پاسخ مکرر (رده) است که اعضای دیگر گروه می‌خوانند. مجموعه‌ای از چنین واحدهایی در مجموع خود یک واحد بزرگ‌تر را تشکیل می‌دهند (ترکیب ساده) که همان روایت یا قصیده هستند. چون این‌ها واحدهای بزرگ‌تر هستند، پاسخ یا جواب هم به همان اندازه بیش‌تر شده‌اند. روایت یا قصیده مولد یا مالد هرگز به‌تنهایی ارایه نمی‌شود. برعکس، با سایر واحدهای منظم ساختاری مشابه ترکیب می‌شود، ترکیبی مرکب با

هندسة الصوت عمان تبلور یافته است. بنابراین نمونه‌هایی چون مولد و مالد نشانگر ریشه‌های خلاقیت هنری اسلامی در عمان است و مرکزیت و تداومی به وجود می‌آورد که بدون آن هیچ فرهنگی پایدار نمی‌ماند و مردم هویت خود را از دست می‌دهند.

### برنامه‌های اصلی مولد

بخش	حرکات	آلات موسیقی	نوع اجرای صوتی	سبک اجرا
قرآن - فصل اول روایت	—	—	تک‌خوانی	نثرالنعلمات
- قصیده	—	—	تک‌خوانی پاسخ گروهی	نثرالنعلمات نثر / نظم
- قیام، قیامه (اختیاری)	—	—	تک‌خوانی پاسخ گروهی	نظم‌النعلمات نثر / نظم
- مرده البرزنجی (اختیاری)	—	—	گروه‌خوانی	نظم‌النعلمات
- دعا (اختیاری)	—	—	تک‌خوانی	نثرالنعلمات
- فصل دوم - فصل سوم - دعا (اختیاری)	—	—	تک‌خوانی گروه: آمین	نثرالنعلمات

## برنامه‌های اصلی مالد

بخش	حرکات	آلات موسیقی	نوع اجرای صوتی	سبک اجرا
قرآن	—	—	تک‌خوانی	نثرالنغمات
- فصل اول	—	—	تک‌خوانی	نثرالنغمات
روایت	—	—	پاسخ گروهی	نثر / نظم
- قصیده	—	—	گروه‌خوانی	نظم النغمات
- مرده‌القصیده	—	—	گروه‌خوانی	نظم النغمات
(اختیاری)				
- هوامه	بلی (ردیف هوامه)	* —	گروه‌خوانی	نظم النغمات
- توحید	بلی	* —	—	—
قفله	—	* —	—	—
- فصل دوم				
- فصل سوم				
- جلالة	بلی	طاره	گروه‌خوانی	نظم النغمات
(اختیاری)				
- تنزیله	بلی	طاره	گروه‌خوانی	نظم النغمات
تشویشه				
- دعا	—	—	تک‌خوانی	نثرالنغمات
(اختیاری)			پاسخ گروهی	نثر / نظم

\* در برخی از مناطق در این بخش‌ها طاره نواخته می‌شود.

## پی‌نوشت‌ها:

۱. نام دیگر ردیف اصلی، ردیف منشدین است.
۲. مجموعه این متون نظم و نثر در عمان تحت عنوان «مجموع مولد شرف الانام» به چاپ رسیده است (دهلی). این کتاب حاوی زندگینامه پیامبر در ۱۹ «روایت» و دو قسمت اضافی، یکی درباره ظاهر او و دیگری درباره خصوصیاتش است.
۳. پاسخ برای کلمه «رَدّه» در عربی آورده شده است که به معنی «تکرار» و «بندبرگردان» است.
۴. برای مثال: سلام علی المصطفی، یا حبیب‌الله، صلی‌الله‌علیه، صلی‌الله‌علیه و آلی آخر.
۵. نام‌های دیگر منشد، قاری، شاعر، راوی و عقید است. برخلاف این نام‌ها که به رهبران هنری اطلاق می‌شود، قائد و رئیس نام‌هایی هستند که به سازمان‌دهندگان گروه می‌دهند.
۶. چون تحقیق و تحلیل سنن موسیقی عمان، زمینه تحقیقاتی تازه‌ای است و از آن‌جا که بیش‌تر اصطلاحات موسیقی در زبان عربی یا در ترجمه مکتوب نشده است، می‌توان تلفظ‌ها و هجی‌های متفاوتی برای همین مفهوم یافت. این حقایق باعث می‌شود تا تنظیم فهرستی از اصطلاحات موسیقی برای این منطقه از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار باشد.
۷. طار تقریباً ۱۸ تا ۲۴ اینچ قطر دارد و بدون زنگ فلزی است. اما در بعضی از مناطق عمان توپ‌های کوچک فلزی به‌نام خشخاش در آن سوار می‌شود.
۸. لوئیس ابن‌الفاروقی: «موسیقی اسلامی دینی» یا «هندسه الصوت الاسلامی»، تحقیقی کوتاه به زبان انگلیسی که برای پروژه یونسکو تحت نام «تاریخ جهانی موسیقی» در زندگی بشره تهیه شده است.
۹. برای مثال مانند نمازهای اعیاد، نماز میّت و نماز تراویح (نماز عصر در مدت روزه در ماه رمضان) و نماز استسقاء (نماز برای باران) و غیره.
۱۰. Regula Burckhardt Qureshi: ترنم: تلاوة الشعب الأوردی (اوردو). مجله Ethnomusicology جلد سیزدهم، شماره ۳، صفحات ۴۴۲-۴۴۶.
۱۱. تک‌خوان زمانی به‌عنوان تک‌خوان برجسته توصیف می‌شود که:
  - ۱- خلاقیّت در اشعار داشته باشد، ۲- کلمات شعرهای او زیبا و مناسب باشد، و ۳- در هدایت اعضای ردیف دیگر از لحاظ خواندن و حرکات موفق باشد.
۱۲. لوئیس الفاروقی: The Shari'ah on Music and Musicians Islamic Thought and Culture به سردبیری ا.د. الفاروقی (واشنگتن: مؤسسه بین‌المللی اندیشه‌های اسلامی، ۱۹۸۲)، صفحات ۲۹ و بعد از آن. «هندسه‌الصوت» واژه‌ای اضافه‌شده به اصطلاحات موسیقی<sup>۴</sup>. مقاله‌ای منتشر نشده که در سمپوزیوم تاریخ موسیقی عربی در رباط (مراکش) در نوامبر ۱۹۸۲ ارایه شد.
۱۳. اسماعیل ر الفاروقی: «اسلام و هنر» از شماره سنی و هفتم Studia Islamica، ۱۹۷۳، ص ۹۵ و بعد از آن.
۱۴. لوئیس ابن‌الفاروقی، Accentuation in Qur'anic Chant.